



شناسایی الگوی خانه‌های تاریخی شمال کشور (استان گلستان، مازندران و گیلان)^۱

حنان ساورسفلی

دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت بناها و بافت‌های تاریخی
hsavarsofla@gmail.com

محمدحسن طالبیان

عضو هیات علمی مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی

چکیده:

معماری خانه‌های تاریخی شمال کشور مسلماً الهام گرفته از یک خانه‌ی تاریخی خاص هستند که در طول تاریخ به صورت تدریجی به شهرهای دیگر انتقال یافته و مورد استفاده قرار گرفته اند تا به عنوان الگوی معماری شناخته شوند. مقاله پیش روی سعی دارد تا با بررسی خانه‌های تاریخی استان‌های گلستان، مازندران و گیلان، الگوی این خانه‌ها را شناسایی کند و معماری، فن‌شناسی و مصالح به کار رفته شده در بنای الگو را مورد تحلیل قرار دهد.

واژگان کلیدی: خانه، میرشهبیدی، گرگان، ساری، رشت

^۱ این مقاله برگرفته از رساله‌ی کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان ((شناسایی الگوی خانه‌های تاریخی شمال کشور و طرح حفاظت و مرمت آن)) به راهنمایی دکتر محمدحسن طالبیان است که در تاریخ ۱۳۹۵/۷/۱۷ در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی از آن دفاع شده است.

**مقدمه:**

در آغاز باید به این نکته اشاره شود، عمده‌ی پژوهش‌های انجام گرفته در این گزارش به شکل میدانی و حاصل تحلیل و بررسی‌های نگارنده بوده‌است به همین دلیل تعداد منابع ارائه شده در پایان مقاله محدود می‌باشد. خانه‌های تاریخی کشور از ویژگی‌های معماری خاصی برخوردار هستند که انجام مطالعات بر روی آن‌ها نتایج خوبی را به پژوهشگر خواهد داد؛ خانه‌های شمال کشور نیز از این قاعده مستثنی نیستند. این خانه‌ها به دلیل قرارگیری در منطقه شمال و تحت تاثیر اقلیم معتدل و مرطوب دارای فرم معماری خاصی هستند و همچنین سقف‌های شیب‌دار این خانه‌ها و سفال پوش بودن آن‌ها این خانه‌ها را نسبت به خانه‌های مناطق دیگر متمایز ساخته‌است. مقاله‌ی پیش روی حاصل پژوهش در خصوص شناسایی الگوی خانه‌های تاریخی شمال کشور است که خانه‌های تاریخی سه استان، گلستان، مازندران و گیلان را مورد تحلیل قرار داده است

روش تحقیق:

گردآوری اطلاعات برای انجام این پژوهش به صورت میدانی و کتابخانه‌ای می‌باشد. شیوه‌ای که برای این پژوهش در نظر گرفته شده است به صورت حضور در مکان‌های مورد مطالعه می‌باشد و همچنین پرسش از افراد آگاه و معتبر منطقه و استفاده از مکتوبات و اسناد معتبر. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت چیدمان داده‌های به دست آمده در کنار یکدیگر و مقایسه‌ی آن‌ها از لحاظ شکل، فرم، پیشینه‌ی تاریخی و می‌باشد.

متن اصلی:**مبانی نظری خانه**

خانه یکی از مباحث مهم در معماری ما می‌باشد که کمتر به آن پرداخته شده‌است. واژه‌ی خانه که امروز مصطلح است در گذشته به اتاق اطلاق می‌شده‌است. اتاق را (وستاخ) یا گستاخ یا وثاق می‌نامیده‌اند و از واژه‌سرا به جای کلمه‌ی خانه در اصطلاح امروز آن، استفاده می‌کردند. در جنوب ایران اصطلاح خانه‌سرا (به معنی سرایی با اتاق است) مرسوم بوده‌است (پیرنیا، ۱۳۸۷). در روزگار باستان خانه‌ها کوچک و کمابیش دارای یک اندام یا اتاق بوده‌اند. خوابیدن و زندگی و آشپزی و کارهای دستی و ... همه در یک جا انجام می‌شده‌است. تا این که کم کم کاربری‌های گوناگون در خانه، اندام‌های ویژه‌ای برای خود یافتند (پیرنیا، ۱۳۸۷).

آثار یکی از کهن‌ترین خانه‌سازی‌ها در سرزمین ایران که از هشت هزار سال پیش به جا مانده در پیرامون بویین‌زهر در تپه‌زاغه یافت شده‌است (پیرنیا، ۱۳۸۷).

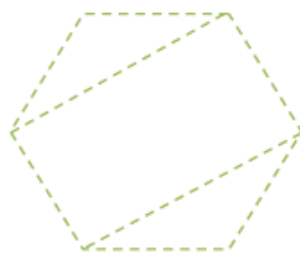
ویژگی‌های آب و هوایی - رون و پنام:

یکی از مسائل مهم مربوط به شهرسازی جهت قرارگیری خانه یا رون است. این مربوط به آب و هوا، طرز تابش، جهت وزش (باد مطبوع، طوفان، گرد و باد و...) و مکان قرارگیری و جنس زمین می‌شده‌است (پیرنیا، ۱۳۹۰). معماران ایرانی برای این کار از شکل شش ضلعی استفاده می‌کردند. همان‌طوری که می‌دانیم شش ضلعی شکلی است که نمی‌توان آن را غلط کشید زیرا در ساخت آن از مثلث متساوی الاضلاع استفاده شده و این شکل را نمی‌توان اشتباه کشید. اگر شش عدد از این مثلث‌ها را در کنار هم قرار دهیم شکل شش ضلعی به دست می‌آید. خانه‌ی زنبور عسل نیز به همین شکل است در هنرهای دیگر مثل خاتم و همین‌طور فرش کف امامزاده‌ها و خانه‌ها برای به دست آوردن تناسبات طلائی از این شکل استفاده می‌شده‌است. کتاب قدیمی المسالک و الممالک اصطخری، نقشه‌هایی در ضمیمه دارد که فوق العاده زیبا می‌باشند. در این نقشه‌ها علامت جنوب در بالای آن گذاشته شده و جهت مخالف آن شمال است. در اصل این شکل از یک شش ضلعی به دست آمده که در رئوس مستطیل داخل آن شمال و جنوب قرار می‌گرفته‌است.

با همین روش در ایران سه راون را در نظر می گرفته اند:

- ۱- راون راسته
- ۲- راون اصفهانی
- ۳- راون کرمانی (پیرنیا، ۱۳۹۰).

راون راسته: این راون در راستای شمال شرقی - جنوب غربی می باشد. در شهرهای کانونی ایرانی مانند یزد و تهران، در جهرم و تبریز در شمال غربی ایران و در برخی شهرهای دیگر، خانه ها بر پایه ی راون راسته جهت یابی شده اند. این راستا نزدیک به راستای قبله می باشد (پیرنیا، ۱۳۸۷).



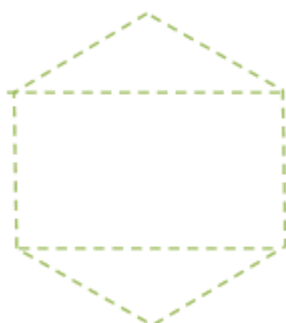
شکل ۱: راون راسته

راون اصفهانی: این راون در راستای شمال غربی - جنوب شرقی می باشد. در شهرهایی مانند اصفهان، تخت جمشید و استخر، خانه ها در این راستا ساخته شده اند.



شکل ۲: راون اصفهانی

راون کرمانی: این راون در راستای شرقی - غربی می باشد. در شهرهایی مانند: کرمان، همدان، آبادی های آذربایجان غربی، و در سرزمین آراتوها و در خوی و برخی شهرهای دیگر، خانه ها در این راستا ساخته شده اند (پیرنیا، ۱۳۸۷).



شکل ۳: راون کرمانی

تابش بند یا **توش بند** آفتاب شکن تیغه هایی به عرض ۶ الی ۱۵ سانتی متر است که گاهی ارتفاعی تا حدود ۵ متر دارد و با کمک گچ و نی آن ها را می ساختند. معمولا در بالای در و پنجره ها کلافی می کشیدند که در واقع تابش بند افقی بوده و بر روی



آن نیز گلجام قرار می‌گرفته است. پروز یا حاشیه‌ی گلجام نقش گل و بوته داشته و وسط آن را جام می‌کردند، بالای آن نیز خرک پوش می‌شده که این هم به‌وسیله‌ی گچ عمل می‌آمده است (پیرنیا، ۱۳۹۰).

ارسی (یعنی گشاده و باز) را نیز برای جلوگیری از گرما از قطعات ریز می‌ساختند این عنصر بعدها شکل دیگری به خود گرفته و در بالای آن یک عنصر نیم دایره و یا چهار گوش قرار گرفته است (پیرنیا، ۱۳۹۰).

سه دری‌ها نیز طوری ساخته می‌شدند که آفتاب به‌طور مستقیم نتواند به داخل آن‌ها نفوذ کند. متأسفانه همان‌طور که گفته شد در دوره‌ی قاجاریه عناصر مختلف داخل معماری ما منحدم می‌شود. سه دری‌ها به دو دری تبدیل شده، و آن‌را نیز طوری ساخته‌اند که آفتاب دقیقاً وارد اتاق شود (پیرنیا، ۱۳۹۰).

ارسن خانه شامل فضاهای مختلفی شده که نسبت به نوع خانه و به عبارت دیگر ساده بودن فضاها، استفاده از پیمون بزرگ و کوچک و خرده پیمون در ساخت خانه‌ها تغییر می‌کرده است. همان‌گونه که خواهیم دید، تفاوتی بین عناصر فضایی خانه‌های چهار صغه، عناصری مثل: سردر، راهرو، اتاق، میان‌خانه و حیاط را داریم (پیرنیا، ۱۳۹۰).

در خانه‌های کامل‌تر که زندگی خصوصی با زندگی عمومی به طرز زیبایی از هم جدا شده است عناصر آن شامل: اندرونی، بیرونی، باربند، حیاط و باغچه‌های آن، راهرو، هشتی و غیره می‌شوند. کلیه این عناصر براساس پیمون تنظیم شده‌اند (پیرنیا، ۱۳۹۰).

سردر: معمولاً دیوارهای بیرونی خانه‌ها کاه‌گلی بوده و فقط سردر مجلل ساخته می‌شده است. نسبت عرض به تو رفتگی سردر معمولاً یک به دو بوده است. سکوهای کناری پاخوره نام داشتند و برای کسانی که با صاحب خانه کار داشته ولی لازم نبوده وارد خانه شوند بود (پیرنیا، ۱۳۹۰).

هشتی: بعد از سر در وارد هشتی یا کریاس می‌شدند. هر چند که در بیشتر مواقع شکل آن هشت ضلعی است اما این به مفهوم هشت نیست و هشتی‌های به شکل مربع و دیگر شکل‌ها داریم. منظور از هشت چیزی است که از فضاهای داخلی خانه بیرون آمده و تنها جایی است که با بیرون خانه ارتباط دارد. این فضا و راهروهای پیچ در پیچ منتهی به حیاط‌های اندرونی و بیرونی مانع دید افراد غریبه به داخل حریم خانواده می‌شده است. ایجاد مکث، تقسیم فضایی و فضایی جهت انتظار از عمل‌کردهای جالب این عنصر می‌باشد (پیرنیا، ۱۳۹۰).

راهرو: برای وارد شدن به فضاهای مختلف از جمله فضای مهمانی و اندرونی می‌بایست از راهروهای پر پیچ و خم عبور کنند. راهروهای پیچ در پیچ خانه را دالان می‌گفتند. راهرو و سر پوشیده بزرگ را نیز دالان می‌گویند دو طرف سه دری‌ها نیز راهرو قرار می‌گرفته است. اگر در دو طرف تالار، راهروها کمی پهن‌تر باشند آن را تخت‌گاه می‌گویند (پیرنیا، ۱۳۹۰).

حیاط: حیاط با تناسبات طلایی ایرانی و جهت‌گیری دستوری خود، در تمام سال محیط بهداشتی مطبوعی فراهم و از گردش آفتاب و نور خورشید، بهترین استفاده را برای پورت‌های گرداگرد خود کسب و تامین می‌کند، در صورتی که جهت‌گیری یاد شده با مسیر باد غالب و سمت طوفان‌های شن یا محل استقرار کوه‌بست آبادی سازگار نباشد، حیاط به جنوب غربی متمایل می‌گردد (پیرنیا، ۱۳۹۰).

اتاق: در خانه‌های ایرانی اتاق‌ها به صورت سه دری، پنج دری، تالار و ... ساخته شده و هر کدام ویژگی خاص خود را داشته‌اند. یکی از علایق ایرانیان در ساخت خانه‌ها ایجاد ارتباط بصری بین اتاق و فضای بیرون است، گشادگی و دید آزاد داشتن جزء طبیعت ایرانی است حتی در حال حاضر نیز همین‌طور است. در بیشتر جاها از اتاق‌های سه دری استفاده می‌شده ولی در اصفهان به دلیل آب و هوای آن اتاق یک دری با دری بزرگ داشتند. در کنار در، پا چنگ یا پنجره‌های مشبک می‌ساختند (پیرنیا، ۱۳۹۰).

این اتاق‌ها نیز بر اسای تناسب طلایی طراحی می‌شدند. اتاق‌هایی که از عرض نور می‌گرفتند نصف تناسب طلایی داشته و در نهایت شکلی متناسب و زیبا به‌دست می‌آمده است (پیرنیا، ۱۳۹۰).

سه دری: اتاق سه دری اتاق خواب خانه بوده است. برای طراحی آن از نصف تناسب طلایی (مستطیل داخل شش ضلعی) کمک می گرفته اند، (مثل ۴*۳,۴۰ متری یا ۱,۷*۲ متر) طبیعی است که با این عمق نور را خوب جذب می کرده است. نکته جالب توجه برای سه دری ها و دیگر اتاق ها این بوده که هیچ وقت از فضای آزاد وارد آن ها نمی شدند و در کنار هر کدام راهرویی در نظر گرفته می شده است. ابعاد اتاق طوری بود که مقیاس آن کاملا انسانی باشد. در داخل این اتاق دقیقا پرهیز از بیهودگی مشاهده می شود و هر چیزی در جای خود قرار گرفته است. در طاقچه ها می بایست وسایل روزمره و در رف ها یا بالا طاقچه ها یا طاقچه بلند، وسایل کمتر مورد نیاز قرار می گرفته اند (پیرنیا، ۱۳۹۰).

پنج دری: به عنوان اتاق مهمانی بوده که در خانه های با نظام خرده پیمون عمل کرد اتاق نشیمن را داشته است. در پنج دری هایی که از طرف طول نور می گرفته اند از تناسبات کل طلایی گرفته شده است. در دو طرف پنج دری نیز دو راهرو قرار داشته است. در داخل این اتاق تو رفتگی کمی بالاتر از سطح زمین به نام شاه نشین قرار داشته است که در آن مهمان های بزرگ می نشستند. در دو طرف پنج دری چراغ دان قرار می گرفته است که چیزی شبیه بخاری بود ولی در داخل دیوار قرار داشت (پیرنیا، ۱۳۹۰).

در بعضی خانه ها که توانایی مالی صاحب خانه کم بوده بالا خانه ای به نام فرور با عمل کرد اتاق مهمان سر در کوچه می ساختند. راه آن از راه پله ای در گوشه هشتی بوده است. در قلعه ها نیز همین عنصر را داریم (پیرنیا، ۱۳۹۰).

تالار: این فضا برای استفاده فصل گرما بوده است و به هوای باز راه داشته است. در کنار تالار راهروهای بزرگ به نام تخت گاه بوده که در انتهای آن راه پله ای برای زیر زمین و بالا خانه قرار می گرفته است. در طبقه ی بالای آن بالا خانه ای اتاق دنج و راحت جای داشته است. بالا خانه های دو طرف تالار را گوشوار نیز می گویند. در کل هر فضایی را که در وسط قرار گیرد میان وار و دو طرف آن را بروار می گویند. ساخت این فضا ها به دلایل گوناگونی بوده است. با توجه به ارتفاع زیاد تالار و رانشی که از طرف طاق های آن به وجود می آمد این فضاها کمک در رفع رانش می کردند (پیرنیا، ۱۳۹۰).

تهرانی: در شمال خانه، اتاق زمستان نشین یا تهرانی جای داشته است. این قسمت آفتاب گیر و بزرگترین اتاق زمستانی بوده است. تهرانی دو اتاق کوچک با ارسی داشته و در کنار آن نیز آشپزخانه قرار می گرفته است (پیرنیا، ۱۳۹۰).

شکم دریده: در قسمت زمستان نشین فضای صلیبی شکل به نام شکم دریده نیز قرار می گرفته است. یکی از دلایل ساخت این فضا به شکل صلیبی مساله نیارشی بوده است. با توجه به این که طاق وسط رانش زیادی داشته در قسمت های کناری آن دو طاق کژاوه زده می شده تا این نیروی رانش را خنثی کند (پیرنیا، ۱۳۹۰).

مطبخ: این فضا در محلی قرار می گرفته که به اتاق مهمان نزدیک باشد و نقشه آن بنا بر نقشه کلی خانه قابل تغییر بوده است. اصولا در گذشته در تابستان غذای گرم نمی خوردند و بیشتر غذای خود را از بیرون تهیه می کردند. قابل ذکر است مطبخ ایین بنا از بین رفته است (پیرنیا، ۱۳۹۰).

باره بند: محلی مخصوص برای نگهداری چهارپایانی مثل اسب، قاطر یا الاغ و چیزی به نام تخت روان بوده است که این فضا هم از بین رفته است (پیرنیا، ۱۳۹۰).

کرانه ی جنوبی دریای خزر:

مصالح مورد استفاده و فرم ابنیه ی سنتی در این ناحیه متفاوت است و خصوصیات آب و هوایی آن به قرار زیر است:

(الف) بارندگی زیاد در تمام فصول سال، خصوصا در فصول پاییز و زمستان

(ب) رطوبت نسبتا زیاد در تمام فصول سال

(ج) اختلاف کم درجه ی حرارت بین شب و روز

(د) پوشش وسیع نباتی

سمت جنوب غربی دریای خزر، یعنی استان گیلان، دارای بارندگی بیشتری نسبت به سایر قسمت ها است و هر چه از سمت غرب به سمت شرق این کناره پیش رویم، از مقدار بارندگی کاسته می شود به نحوی که در بندرانزلی در جنوب غربی این



کناره، معدل ۲۸ ساله (بین سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۶۷ شمسی) میزان بارندگی سالیانه ۱۸۱۸ میلی‌متر و در گرگان در جنوب شرقی کناره، معدل میزان بارندگی حدود یک سوم یعنی تنها ۶۱۷ میلی‌متر است (قبادیان، ۱۳۸۴).
به دلیل بارندگی بسیار زیاد و رطوبت بیش از حد، فرم بنا در منطقه عمدتاً جهت مقابله با این دو عامل شکل گرفته است (قبادیان، ۱۳۸۴).

خصوصیات کلی فرم ابنیه‌ی سنتی منطقه شامل شش مورد زیر است:

به دلیل رطوبت بسیار زیاد منطقه، ساختمان‌ها فاقد هرگونه زیرزمین می‌باشند. این امر بدین لحاظ است که اگر ساختمان زیرزمین داشته باشد، هوای مرطوب که سنگین‌تر از هوای خشک است به داخل زیرزمین نفوذ کرده و در آنجا به صورت راکد باقی می‌ماند. بدین ترتیب فضای زیرزمین محیط مطلوبی جهت زیست نخواهد بود و در صورت انبار کردن هرگونه وسیله‌ی زندگی و یا آذوغه در این محل، آن‌ها به سرعت پوسیده و یا فاسد می‌شوند. هم‌چنین به‌خاطر این‌که عمق آب‌های زیرزمینی در منطقه بسیار کم است، لذا دیوار این‌گونه زیرزمین‌ها همیشه مرطوب خواهد بود و آب‌بندی آن مشکل می‌باشد. و باز به دلیل رطوبت هوا و عمق کم آب‌های زیرزمینی، کف طبقه‌ی هم‌کف ساختمان را تا کف بنا از نم و رطوبت هوا و عمق کم آب‌های زیرزمینی، کف طبقه‌ی هم‌کف ساختمان را سعی می‌کنند حتی‌المقدور بالاتر از سطح طبیعی زمین اجرا کنند تا کف بنا از نم و رطوبت زمین فاصله داشته باشد و بتوان از جریان باد که در ارتفاع بالاتر از سرعت بیشتری برخوردار است، بهره‌مند شوند. به‌طور کلی هرچه از سمت کوهپایه به سمت دریا نزدیک شویم، رطوبت هوا بیشتر و عمق آب‌های زیرزمینی کم‌تر می‌باشد و به همین دلیل کف طبقه‌ی هم‌کف ابنیه در مجاور دریا - در منطقه‌ی بیه پیش در استان گیلان، تا حداکثر دو متر از کف طبیعی زمین فاصله دارد و هرچه به سمت کوهپایه نزدیک شویم، از ارتفاع آن کاسته می‌شود (قبادیان، ۱۳۸۴).

در مناطق مرطوب از بهترین روش‌های اقلیمی جهت تنظیم شرایط محیطی، استفاده از جریان باد و تهویه‌ی هوا است. لذا برعکس ساختمان‌های «درون‌گرای» مناطق خشک که سعی در قرار دادن حداقل بخشی از ساختمان در درون زمین و محصور نمودن کل ساختمان از چهار طرف می‌باشد، در این منطقه جهت تامین آسایش، ساختمان را تا حد ممکن در ارتفاع و بلند و از دو و یا چهار طرف باز و به‌صورت «برون‌گرا» احداث می‌کنند (قبادیان، ۱۳۸۴).

نوع مصالح:

به دلیل حاصل‌خیزی منطقه و وجود کشت‌زارهای وسیع در جلگه‌ها و جنگل‌های انبوه در نواحی کوهپایه‌ای و کوهستانی، مصالح ساختمانی در این کناره غالباً نباتی می‌باشد (قبادیان، ۱۳۸۴).

در این کناره، چوب از مصالح عمده جهت سازه و پوشش بنا است. چوب‌ها به دو دسته‌ی چوب سخت و چوب نرم تقسیم‌بندی شده‌اند. چوب سخت به چوب‌هایی اطلاق می‌شود که با دوام، متراکم و محکم بوده و زیبایی و استقامت زیادی دارند، البته کار کردن با این نوع چوب نسبتاً مشکل است. چوب‌های نرم برخلاف نوع قبل، دارای خصوصیات فوق‌نمی‌باشند (قبادیان، ۱۳۸۴).
درختانی که چوب آن‌ها در این کناره سخت می‌باشد بدین قرار است: شمشاد، انجیلی، ملج، اقاقای وحشی، بلوط، توت، ابریشم، لی، زبان گنجشک، ازگل، گردو، خرمنند، انار، اوجا و موذی (قبادیان، ۱۳۸۴).
از جمله درختانی که چوب آن‌ها نرم می‌باشد بدین قرار است: توسکا، چنار، بید، تبریزی، افرا، شیردار، ممرز، راش، کاج، سرو و لرک (قبادیان، ۱۳۸۴).

چوب‌های سخت مانند اوجات، لی و لیلکی معمولاً در قسمت پی و زیرسازی ساختمان استفاده می‌شوند، به دلیل این‌که مقاومت آن‌ها در مقابل رطوبت و موربانه خوب است. ولی چون این چوب‌ها صاف و بلند نمی‌باشند، برای تیرهای اصلی، خرپا و ستون‌هایی که در نما قرار می‌گیرند از چوب‌های تبریزی، صنوبر و توسکا استفاده می‌شود. چوب درخت توسکا برای تخته لت نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد چون به سهولت ورقه ورقه می‌شود (قبادیان، ۱۳۸۴).

جهت در و پنجره از چوب درخت موذی استفاده می‌شود. موذی یک درخت جنگلی است که بسیار تنومند و سستبر است و سالیان دراز عمر می‌کند (قبادیان، ۱۳۸۴).



جهت پوشش بام در نواحی جنگلی و کوهستانی از تخته لت و در نواحی سواحل دریا و در کنار مردابها از گالی استفاده می‌شود. گالی نوعی علف است که در کنار مردابها رشد می‌کند و دارای برگهای پهن و نسبتا بلندی است که ارتفاع آن گاه تا سه متر می‌رسد. سُم علف دیگری است که در کنار دریا رشد می‌کند و دارای برگهای سوزنی شکل و بلندی به طول حدود هشتاد سانتی‌متر است. از سُم نیز برای پوشش بام استفاده می‌شود (قبادیان، ۱۳۸۴).

همین‌طور ساقه‌های برنج نیز بدین منظور به‌کار می‌رود. منتها ساقه‌های برنج بیشتر در اطراف کشتزارها و در نواحی که از مردابها دور است و گالی رشد نمی‌کند، مورد استفاده قرار می‌گیرد (قبادیان، ۱۳۸۴).

اندود:

متداول‌ترین نوع اندود در این منطقه کاه‌گل است که مخلوطی از خاک رس، آب و کاه می‌باشد. در این‌جا نیز مانند سایر نقاط ایران، این اندود را خوب ورز می‌دهند و معمولا طول کاه در آن از ده سانتی‌متر تجاوز نمی‌کند. از کاه‌گل جهت پر کردن فاصله‌ی خالی بین دیوارهای چوبی و اندود این دیوارها استفاده می‌شود.

اندود دیگری که در این منطقه وجود دارد به نام «فُل‌گِل» که از اختلاط گل رس، آب و پوست خرد شده‌ی دانه‌ی برنج است ولی برای این‌که در کارهای ظریف‌تر به‌کار برده می‌شود، برای ساختن و ورز دادن آن دقت بیش‌تری به‌عمل می‌آید. این مخلوط را با دست به دیوار می‌مالند و با مالیه‌ی چوبی آن‌را صاف و یک‌نواخت می‌کنند. رنگ آن قهوه‌ای متمایل به خاکستری است و گاهی اوقات برای آن‌که سفیدتر شود، به آن خاکستر چوب و نمک اضافه می‌کنند (قبادیان، ۱۳۸۴).

الگوی خانه‌های استان گلستان

استان گلستان دارای خانه‌های تاریخی متعددی است که کامل‌ترین و قدیمی‌ترین این خانه‌ها در شهر گرگان واقع شده‌اند. جهت شناسایی الگوی خانه‌های این استان، ویژگی آن‌ها را در جدول زیر به نگارش در آورده ایم تا پس از بررسی کامل‌ترین و قدیمی‌ترین آن‌ها را به‌عنوان الگوی استان مذکور مورد آنالیز قرار دهیم.

جدول ۱: گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی گرگان (ماخذ، نگارنده)

تعداد طبقات	نوع پوشش	نوع اسکلت	مصالح	پیشینه	پلان	نام بنا
۳	سفال	آجری	آهک، گچ، کاهگل، آجر، چوب	بیش از ۲۰۰ سال (اوایل قاجار)		میرشهیدی
۲	سفال	آجری	کاهگل، گچ، آجر، چوب	اواخر قاجار و اوایل پهلوی		رضاقلی نژاد
۲	سفال	آجری	کاهگل، گچ، آجر، چوب	اواخر قاجار و اوایل پهلوی		فاطمی
۲	سفال	آجری	کاهگل، گچ، آجر، چوب	۱۵۰ سال (اواسط قاجار)		باقری‌ها
۲	سفال	آجری	کاهگل، گچ، آجر، چوب	اواخر قاجار		خراسانی
۲	سفال	آجری	کاهگل، گچ، آجر، چوب	اواخر قاجار و اوایل پهلوی		کبیر

شناخت خانه‌ی میرشهیدی:

این بنا در شهر گرگان و در محله‌ی سرچشمه واقع شده‌است. پلان این بنا به شکل چهار ضلعی با حیاط مرکزی است و بناها در اطراف حیاط برافراشته شده‌اند. یکی از ویژگی‌های بارز این خانه سردر ورودی بنا می‌باشد که با تزیینات خفته و راسته آجری این بنا همراه شده‌است. خانه‌ی میرشهیدی شامل چهار ساختمان بوده که بنای ضلع شمالی در سال‌های اخیر تخریب گشته‌است.

قدیمی‌ترین ساختمان موجود در این مجموعه بنای ضلع غربی می‌باشد که بیش از ۲۰۰ سال قدمت دارد؛ پس از آن بنای ضلع شرقی است پیشینه‌ی آن به ۱۲۰ سال می‌رسد و جدیدترین بنایی که در مجموعه موجود است بنای مجاور آن بنایی که پیش‌تر در مورد آن صحبت شد می‌باشد که آن نیز در ضلع غربی قرار دارد و دیرینگی آن به ۱۱۷ سال می‌رسد. در آخر بنای جبهه‌ی شمالی می‌باشد که ۱۰۰ سال عمر داشت ولی اکنون تخریب شده‌است و تنها جای آن قابل مشاهده می‌باشد.

در ضلع جنوبی حیاط مجموعه‌ی میرشهیدی فضایی وجود دارد که به آن هویچ‌خانه می‌گویند. اهالی گرگان در گذشته از حبوبات با نام هویچ یاد می‌کردند و برای نگهداری آنان فضایی را در معماری خانه‌های خود در نظر می‌گرفتند که آنرا هویچ‌خانه می‌نامیدند.

اتاق‌ها:

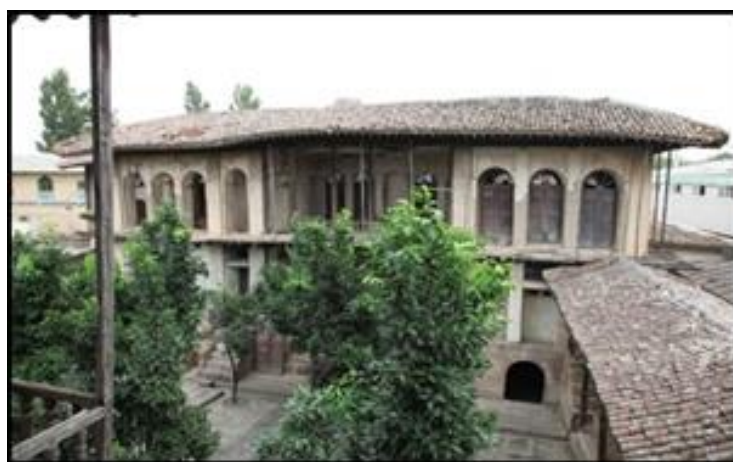
اتاق‌های مجموعه‌ی میرشهیدی در اضلاع شرقی و غربی از لحاظ معماری نسبت به یکدیگر ساختار و فرم متفاوتی دارند. اتاق‌های ضلع شرقی: اتاق‌های خواب که فرم و تزیینات ساده‌تری دارند و ابعاد آن‌ها ۳×۴ می‌باشند و بیش‌تر به شکل سه‌دری هستند ولی اتاق نشیمن شامل تزیینات بیش‌تری می‌باشد و ابعاد آن ۶×۴ است و هم‌چنین به شکل پنج‌دری می‌باشند. اتاق‌های ضلع غربی: در این جبهه اتاق‌های خواب در طبقه‌ی زیرزمین و اول قرار دارند و طبقه‌ی دوم نیز مخصوص اتاق نشیمن می‌باشد.

ملات:

ملات‌های متداول در بناهای شمال معمولاً گل آهک، کاه‌گل و شفته آهک (و گچ در دوره‌ی قاجار)، ساروج (لویی، خاکستر، ماسه بادی، آهک) و گچ و خاک، سیمان سفید و سیمان سیاه می‌باشد.

چوب: چوب مصالحی پرکاربرد در خانه‌ی میرشهیدی است ساختار اصلی این بنا را چوب تشکیل داده‌است. از ستون‌ها و تیرهای اصلی و فرعی گرفته تا در و پنجره‌ها و نرده و تزیینات، چوبی هستند.

سفال: این مصالح ساختمانی که مستقیماً در ارتباط با اقلیم پرباران شکل گرفته‌است، در خانه‌ی میرشهیدی و هم‌چنین در تمامی خانه‌های قاجاری گرگان به چشم می‌خورد و در تمامی ادوار استفاده شده‌است.



شکل ۴: نمایش بام ضلع شرقی خانه‌ی میرشهیدی

در بنای میرشهیدی برای بندکشی از گچ استفاده کرده‌اند که بین دو آجر کار گذاشته شده البته این بندکشی در دیوارهای حیاط مشهود است.

نحوه‌ی آجرچینی دیوارها:

در تمامی دیوارهای خانه‌ی میرشهیدی چه داخلی و چه بیرونی از آجر استفاده شده‌است، اما در دیوار نمای بیرونی منزل پس از کرسی‌چینی آجری از خشت استفاده شده‌است.

چیدمان آجرها و خشت‌ها به این صورت بوده‌است که پس از هر ۲ تا ۳ ردیف خشت از یک ردیف آجر استفاده شده‌است. این امر تا ارتفاع ۱,۵ متری از سطح معبر صورت گرفته‌است.

تزیینات در بنای میرشهیدی به دو صورت چوبی و گچی و آینه کاری است.

تزیینات چوبی شامل تزیینات شیرسرها و نرده‌ها و هم‌چنین تزیینات در و پنجره‌ها می‌شود.

تزئینات گچی و آینه کاری نیز در اتاق ضلع غربی که به اتاق آینه مشهور است به صورت زیبایی قابل مشاهده می باشد.
شناسایی الگوی خانه های استان مازندران:
مراحل شناسایی الگوی خانه های این استان را نیز همانند گذشته انجام می هیم.

جدول ۲: گونه شناسی خانه های تاریخی ساری (ماخذ، نگارنده)

نام بنا	پلان	پیشینه	مصالح	نوع اسکلت	نوع پوشش	تعداد طبقات
کلبادی		۱۳۰ سال (اواخر قاجار)	آهک، سنگ ، آجر، چوب	آجری	سفال	۲
سردار جلیل		۱۴۰ سال (اواخر قاجار)	کاهگل، گچ، آجر، چوب	آجری	سفال	۳
فاضلی		اواخر قاجار	کاهگل، گچ، آجر،	آجری	سفال	۲
رمدانی		اواخر قاجار	کاهگل، گچ، آجر، چوب	آجری	سفال	۲
میرگتی		۱۷۰ سال (اواسط قاجار)	کاهگل، گچ، آجر، چوب	آجری	سفال	۳

شناخت خانه ی میرگتی:

خانه ی میرگتی در شهر ساری و در محله آب انبار نو واقع شده است. پلان این بنا به صورت چهار ضلعی می باشد. ورودی این بنا از سمت جنوبی مجموعه است و پس از ورود به بنا به حیاط مجموعه برخورد می کنیم؛ بنای ضلع شرقی با احتساب زیرزمین در سه طبقه بنا شده است و مربوط به دوره ی قاجار می باشد. در این ضلع، در طبقه ی اول دو اتاق در سمت چپ و راست بنا وجود دارد که با طاقچه های متعدد و همچنین درب های چوبی مزین گشته اند. با عبور از پله ی موجود در بنا به طبقه ی دوم خواهیم رسید، در این طبقه نیز دو اتاق همانند پلان طبقه زیرین وجود دارد که با پنجره های ارسی تزئین شده اند. ضلع غربی حیاط شامل دو ساختمان می باشد که یکی از آن ها در دوره ی قاجار و دیگری در دوره ی پهلوی احداث گردیدند. بنای دوره ی قاجاری این ضلع نیز همانند ضلع مقابل در دو طبقه ساخته شده و در هر طبقه نیز اتاق ها با تزئینات ارسی و طاق های مازهدار آراسته گشته اند.

بنای دیگری که در این ضلع واقع شده است مربوط به دوره ی پهلوی می باشد که پس از پیمودن پله ها به سکوی بنا می رسیم و پس از گذشتن از درب ورودی بنا وارد اتاق می شویم در این اتاق در سمت شرقی آن دو پنجره وجود دارد که نور لازم به بنا را تامین می نماید. که لازم به ذکر است که این ساختمان در یک طبقه بنا گردیده و یک درب دیگر نیز برای ورود از کوچه ی پشتی ساختمان وجود دارد.

مصالح به کار رفته در بنا

به دلیل حاصل خیزی منطقه و وجود کشتزارهای وسیع در جلگه‌ها و جنگل‌های انبوه در نواحی کوهپایه‌ای و کوهستانی، مصالح ساختمانی در این کناره غالباً نباتی می‌باشد. استفاده از این نوع مصالح بسیار مقرون به صرفه است زیرا در این منطقه به وفور وجود دارد و دسترسی به آن آسان است. هم‌چنین به لحاظ بهره‌برداری از این مصالح در طی قرون متمادی، راه‌ها و روش‌های مناسبی جهت اجرا ابنیه با مصالح نباتی ابداع شده است.

اندود

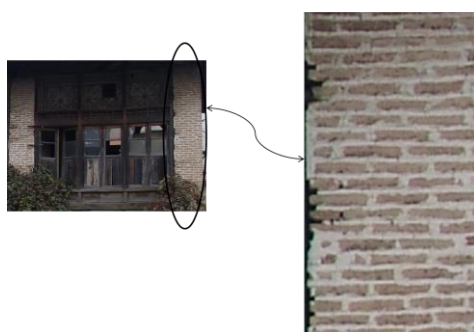
متداول‌ترین نوع اندود در این منطقه کاهگل است که مخلوطی از خاک رس، آب و گاه می‌باشد. در این جا مانند سایر نقاط ایران، این اندود را خوب ورز می‌دهند و معمولاً طول کاه در آن از ۱۱ سانتی‌متر تجاوز نمی‌کند. از کاهگل جهت پر کردن فاصله‌ی خالی بین دیوارهای چوبی و اندود این دیوارها استفاده می‌شود. اندود دیگری در منطقه وجود دارد به نام " فل گل " که از اختلاط گل رس، آب و پوست خرد شده‌ی دانه برنج است.

پی

پی این بنا همانند بیشتر بناهای هم عصر خود به وسیله آجر شکسته و قلوه سنگ و با ملات شفته آهک ساخته شده‌است که استفاده از این مصالح باتوجه به مقاومت آن در برابر رطوبت صعودی از زمین توجیه می‌گردد.

دیوارها

دیوارها در خانه‌ی میرگتی با استفاده از آجرهای چهار گوش و با ابعاد حدود ۲۰ × ۲۰ و ضخامت ۳ الی ۴ سانتی‌متر و با ملات گل آهک در جرزها و گچ در ناحیه‌ی اتاق‌ها و پوشش‌های منحنی می‌باشد. سطح دیوارها نیز از داخل توسط اندود گچ پوشانده شده‌است.



شکل ۵: نمایش مصالح موجود در دیوار خانه‌ی میرگتی

پوشش‌ها

تمامی پوشش‌های بنا عموماً چوبی و از انواع مقاوم چوب ساخته شد، در طبقه‌ی بالا پوشش به وسیله‌ی شیرسرها به طرف خارج از دیوارها امتداد یافته و نهایتاً پوششی سفالی بنا را در برابر باران محافظت می‌کند.

تزیینات چوبی

شیرسرهای چوبی: این عناصر که علاوه بر ایجاد نمای زیبا دارای نقش سازه‌ای نیز می‌باشند و علاوه بر افزایش سطح مقاومت در برابر باران و حفاظت از دیوارها در سبک‌تر شدن وزن بام نیز موثرند.

پنجره‌ها با شیشه‌های رنگی: این پنجره‌ها در کنترل نور وارده به بنا و همچنین کنترل سیرکولاسیون و تهویه هوای موجود در بنا موثر بوده و از دیدگاه هنری نیز حائز اهمیت می‌باشند.

اتاق‌ها

نشیمن: اتاقی است با ابعاد متوسط ۳×۴ و پنجره‌هایی با فرم ساده و تزیینات ساده‌تر نسبت به اتاق پذیرایی این اتاق‌ها که راه اصلی‌شان از ایوان‌های مجاور است در نمونه‌های قدیمی‌تر بیشتر به صورت سه دری یا پنج دری می‌باشد و حتی به همین نام‌ها معروف شده‌اند. گاهی اتاق‌های طبقه‌ی هم‌کف علاوه بر ورودی از ایوان از یکی از این درها و به وسیله چند پله مستقیماً به حیاط راه دارند.

ابعاد غالب عرض اتاق‌ها از ۳ تا ۴ متغیر است اندازه‌ی اکثر اتاق‌های برداشت شده حدود سه متر است البته از یازده اندازه‌ی متفاوت فقط عرض دو اتاق حدود ۴ متر است. به نظر می‌رسد از آنجایی که در قدیم دهنه‌ی اتاق‌ها را با چوب می‌پوشاندند به دلیل ضعف امکانات تهیه و حمل و نقل از جنگل امکان پوشش دهنه بیش از ۴ متر معمول نبوده و کمتر از ۳ متر نیز کارآیی ایده‌آلی نداشته به همین دلیل عرض اتاق‌ها بین ۳ تا ۴ متر بوده است. طول اتاق‌ها از ۴ تا ۶/۵ متغیر است. اندازه‌ی طول حداکثر اتاق‌های برداشت شده ۵/۵ متر است. البته از این مقدار دو اتاق با طول ۴ متر و دو اتاق با طول ۶/۵ متر وجود دارند که تقریباً حالت استثنا را دارند.

ارتفاع اتاق‌های طبقه‌ی هم‌کف بین ۲/۶۰ الی ۲/۹۰ می‌باشد و ارتفاعات ۳ الی ۳/۵۰ نیز مربوط به اتاق‌های طبقه‌ی بالاتر از هم‌کف است. شاید از آنجایی که طبقه‌ی بالا بیشتر در تابستان استفاده می‌شود برای استفاده و ایجاد کوران بیشتر سقف آن‌را بلندتر از طبقه‌ی هم‌کف می‌گیرند.

شناسایی الگوی خانه‌های استان گیلان

در این بخش نیز همانند قسمت‌های گذشته عمل خواهیم کرد و خانه‌های برجسته و کهن‌تر را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

جدول ۳: گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی رشت (ماخذ، نگارنده)

نام بنا	پلان	پیشینه	مصالح	نوع اسکلت	نوع پوشش	تعداد طبقات
ابریشی		۱۶۰ سال (اواسط قاجار)	آهک، سنگ، گچ، آجر، چوب	آجری	سفال	۲
پور عباس		۱۱۰ سال (اواخر قاجار)	سنگ، گچ، آجر، چوب	آجری	سفال	۲
آوانسیان		۱۲۱ سال اواخر قاجار	کاهگل، گچ، آجر، چوب	آجری	سفال	۲
سواررخش		۱۳۰ سال اواخر قاجار	کاهگل، گچ، آجر، چوب	آجری	سفال	۲
مرزبان		۱۴۰ سال (اواسط قاجار)	کاهگل، گچ، آجر، چوب	آجری	سفال	۱

شناخت خانه‌ی ابریشمی:

این بنا در شهر رشت و در کوچه شاعری قرار گرفته است. پلان این بنا به شکل مستطیل است. ورودی اصلی خانه‌ی ابریشمی در سمت جنوب قرار گرفته است که از طریق کوچه اخوان، متصل به خیابان مطهری قابل دسترسی است؛ این ورودی شامل

یک هشتی است که با در چوبی دو لنگه وارد آن می‌شویم. این هشتی کف سیمانی و سقف لمبه کوب دارد، دیوارهای آجری با گچ و خاک پوشیده شده است. در دیوارها طاقچه‌های تزئینی و قوس‌دار دیده می‌شود. با در چوبی دو لنگه دیگری از هشتی وارد حیاط می‌شویم.

نمای جنوبی که نمای اصلی ساختمان می‌باشد و دارای هفت بازشو در طبقه‌ی اول به یک شکل و نیز ۵ عدد پنجره در طبقه هم‌کف می‌باشد. دو پله‌ی سیمانی در نما به چشم می‌خورد که رابط طبقه‌ی هم‌کف و اول می‌باشد. مصالح بنایی که در قدیم در این بنا به کار رفته گچ، آهک و گل بوده که هم اکنون با سیمان بری مرمت شده است.



شکل ۶: نمای جنوبی خانه‌ی ابریشمی

نمای شمالی و شرقی دارای بازشوه‌های چوبی سرتاسری با قاب‌های چوبی در پایین، سرتاسر تالار شمالی و شرقی طبقه‌ی اول را می‌پوشاند. ستون‌هایی در تراس طبقه‌ی هم‌کف دیده می‌شود. نمای غربی خانه‌ی مجاور به همسایه می‌باشد و قابل دیدن نیست.

فضاهای ارتباطی شامل تالار (غلام گردش) که در قسمت شمالی و غربی خانه در طبقه اول قرار دارد. فقط از یک در به اتاق‌های تالار آینه و یکی از دو در به سه اتاق از اتاق‌های نشیمن در دو طرف تالار آینه و نیز با سه در به یکی از اتاق‌های انتهایی ضلع شمالی و نیز اتاق گچ‌بری مربوط می‌شود. هم‌چنین این اتاق‌ها را به سرویس طبقه اول مربوط می‌کند. هم‌چنین این تالار به انباری سرتاسری در ضلع شرقی راه دارد که محل انبار مواد غذایی و میوه‌های جالیزی بوده است که با کرک‌هایی از سقف آویزان است.

اتاق‌های دارای تزئینات گچی:

این اتاق‌ها به مساحت حدود ۲۱ متر مربع دارای ۵ در است که دو تا از آن‌ها به فضای راه پله و پاگرد و یک در دیگر، دسترسی این اتاق‌ها را به اتاق‌های نشیمن ممکن می‌سازد و دو در دیگر نیز به انبار سرتاسری دسترسی دارد. ۶ عدد طاقچه با قوس نیم دایره در این اتاق تعبیه شده است و یک آتش‌دان که در دیوار ضلع شمالی قرار دارد. یک عدد کمد نیز در همین ضلع دیده می‌شود. این دو اتاق به صورت قرینه در دو طرف راه پله قرار دارند و همان‌طور که در عکس دیده می‌شود با گچ‌بری‌های زیبا تزئین شده‌اند. طرح تزئینات در سقف و دیواره و شومینه متفاوت است.

تالار آینه:

تالار آینه به شکل T به طول ۱۱،۹۰ و عرض ۷،۲۰ است. بخشی از این تالار مزین به گچ‌بری با پوشش قطعات آینه در بدنه و سقف است. این قسمت به وسیله‌ی دو ستون گچی با شیرسرهای تزئینی از قسمت جلو جدا می‌باشد. دیوارهای تالار قبلا همانند این قسمت دارای تزئینات بوده است. در زیر لایه‌ی گچ کاری شده‌ی جدید آثاری از گچ‌بری‌های قدیمی مشهود است. در



تالار، ۱۲ عدد طاقچه با قوس نیم دایره که داخل آن‌ها با آینه یک‌دست پوشانیده شده دیده می‌شود. سطح دیوار از کف اتاق تا زیر طاقچه، ازاره‌ی سنگی به ارتفاع ۱،۱۰ متر و جنس مرغوب می‌باشد.

چینی خانه در سمت غربی تالار آینه با دو درب به چینی خانه وارد می‌شویم. چینی خانه را باید از ویژگی‌های هنری بی‌نظیر دوره‌ی قاجار در گیلان دانست. زیرا در دیوارها و پیش بخاری این اتاق در میان گچ‌بری‌ها و گل بوته‌های ظریف، دوایری ایجاد و داخل آن‌ها کاسه و بشقاب‌های گل مرغی و مصور بسیار پر ارزش قاجاری قرار داده‌اند. مجموعاً در بدنه و طاقچه‌ها ۷۹ کاسه و بشقاب تعبیه شده‌است. گلوبی اتاق رف مانند است. در این قسمت ۵۲ عدد کاسه و قدح جاسازی شده‌است.

پی:

پی این بنا با ملاتی از گل رس، کاه و آهک ساخته شده‌است.

ستون‌ها:

این ستون‌ها تا زیر کف طبقه‌ی اول با مصالح آجرهای قزاقی ۲۵ در ۲۵ و خاک رس و ملات گل رس و آهک و کاه به صورت خالص ساخته شده‌اند.

جرزها:

همه از نوع برابر بوده و با آجر قزاقی ۲۰ در ۲۰ اجرا شده‌اند. فضای خالی در تمام دیوارها به‌عنوان عایق صوت و گرما عمل می‌کند. سازه‌ی سقف و نحوه‌ی اجرای بام زیر شیروانی معمولاً از خرپای چوبی تشکیل یافته‌است که نقش انتقال بار حاصل از پوشش شیروانی در فصول سرد (وزن برف) را به شالوده‌ی بنا ایفا می‌کند. این خرپاها عمدتاً بر اساس یک مدول تعریف شده، روی تیرهای چوبی اصلی قرار می‌گیرد. از چوب‌های افقی و عمودی متعددی برای اتصال این عناصر استفاده می‌شود که هر یک با نام‌های نظیر نال، سرنال و ... نامیده می‌شوند و فواصل این خرپاهای حمال و در فضاهای خالی بین آن‌ها چوب‌هایی عمود بر جهت تیرها قرار می‌گیرد. در روی آن‌ها عمدتاً صفحاتی به هم بافته شده از نی خیزران یا بامبو استفاده می‌شود.

سفال چینی:

در منطقه‌ی معتدل و مرطوب به‌دلیل بارش شدید برف و باران از سقف‌های شیب‌دار در ساختمان‌ها استفاده می‌شود. این سقف‌ها در دو گونه‌ی معماری این منطقه متفاوت است. گونه‌ی اول معماری روستایی است که بسته به میزان فاصله از دریا و موقعیت مکانی ساختمان است. گونه‌ی دیگر که در برخی از مناطق جنگلی است شامل قطعات چوب بریده شده می‌باشد و در مناطق دشتی معمولاً از کاه برنج یا الیاف مشابه (نی) استفاده می‌شود. اما در خانه‌های شهری معمولاً مصالحی از جنس خاک که سفال نامیده می‌شود به‌کار می‌برند. این سفال‌ها معمولاً در اکثر شهرهای استان گیلان متداول بوده و دورنمایی زیبا از شهر را به نمایش می‌گذارد.

برای اجرای سفال چینی بعد از چیدن نی‌های خیزران (بامبو) و ایجاد سطحی هموار و صاف سفال‌ها قرار می‌گیرند. سفال‌ها معمولاً بر اساس نواحی جغرافیایی مختلف دارای شکل‌های متفاوتی هستند. به‌عنوان مثال سفال‌هایی که در شرق گیلان و عمدتاً لاهیجان و سیاهکل تهیه می‌شوند دارای فرمی استوانه‌ای بوده اما سفال‌های منطقه تالش و آستارا شکلی تخت و صاف دارند. نحوه‌ی چیدن سفال‌ها بر اساس نوع و شکل آن‌ها متفاوت است. سفالی که در خانه ابریشمی و عمده‌ی ساختمان‌های رشت به‌کار رفته از نوع استوانه‌ای بوده و دهانه و دو سر این سفال‌ها دارای اندازه‌ی متفاوتی بوده، به گونه‌ای که یک سر کوچک‌تر و سر دیگر بزرگ‌تر است و با چفت و بست شدن این سفال‌ها در داخل یکدیگر خطوط ممتد و صافی در مسیر بام برای هدایت آب به‌وجود می‌آید.



نتیجه گیری:

پیش از آن که به مبحث نتیجه گیری پرداخته شود باید این نکته بیان گردد که تا کنون هیچ پژوهشگری کار جامع و یکپارچه‌ای را در خصوص شناسایی الگوی معماری خانه‌های تاریخی در محدوده‌ی شمالی کشور انجام نداده‌است و در این پژوهش تلاش شده تا برای نخستین بار این کار انجام شود.

بر اساس تحقیقات و بررسی‌های انجام شده بر روی خانه‌های تاریخی شمال کشور اینگونه مشاهده شد که ویژگی‌های اصلی‌ای که در خانه‌های شمال کشور وجود داشته از قبیل: تعدد بازشوها، قرینگی، نوع قوس‌ها، فرم هندسی پلان‌ها، نوع مصالح، نوع پی، پوشش بنا، تزیینات و ... در قدیمی‌ترین خانه‌ی شمال کشور که خانه‌ی میرشهیدی می‌باشد نیز به صورت کامل دیده می‌شود. بنابراین می‌توان با قاطعیت بیان کرد که خانه‌ی میرشهیدی شهر گرگان با توجه به این که کهن‌ترین خانه در بین این سه استان به حساب می‌آید و از لحاظ معماری نیز خانه‌ای کامل است و تمام ویژگی‌های مورد بررسی شده‌ی خانه‌های دیگر استان‌های شمالی و نیز دوره‌های پس از خود را دارا است؛ الگوی خانه‌های تاریخی شمال کشور می‌باشد.

منابع:

- پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۸۷، معماری ایرانی، تهران، سروش دانش
پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۸۷، سبک شناسی معماری ایرانی، تهران، سروش دانش
پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۹۰، آشنایی با معماری اسلامی ایران، تهران، سروش دانش
قبادیان، وحید، ۱۳۸۴، بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، تهران، دانشگاه تهران